
هم آهنگ نمودن قوانین و مقررات در اتحادیه‌های اروپائی

(۴)

هم‌آهنگی قوانین و مقررات امور اجتماعی

در قرارداد رم آزادی نقل و انتقال کارگر از کشوری بکشور دیگر عضو اتحادیه‌های اروپائی مانند یکی از عوامل تولید بمنظور افزایش بهره‌وری در بازار توسعه یافته‌ای که تشکیل اتحادیه را میدهد مورد بحث قرار میگیرد باین معنی که بعقیده مکتب جدید طرفداران آزادی نقل و انتقال کارگر در بازار توسعه یافته موجب افزایش بهره‌وری آن میشود باین عقیده باید عقیده کینز را نیز دائر باشتغال کامل عامل تولید یعنی کار اضافه نمود.

آزادی نقل و انتقال کارگر در اتحادیه‌های اروپائی همانطوریکه Beveridge عقیده داشت موجب بدست آوردن کار برای کلیه کارگران در یک اجتماع آزاد میباشد زیرا عرضه کار در کشوری که دوران توسعه اقتصادی را میگذراند بوسیله تقاضای کار در کشوری که بیکاری هست تمهاتر میگردد این طرز استفاده از منابع کار اتحادیه متضمن دو فایده اساسی است. از طرفی موجب افزایش وارداتی کارگر بوده و توسعه اقتصادی سریعتر و هم‌آهنگ را اجازه میدهد. از طرفی دیگر تحرك کارگر و مواجه کردن با عادات و سنن مختلف در کشورهای عضو مسئولیت مشترك را افزایش داده و راه را برای ساختن سازمان سیاسی اروپا هموار میکند.

مطالعه تاریخ بازار مشترك نشان میدهد که در عمل فرضیه اشتغال کامل و تعادل عرضه و تقاضای کار با تحولاتی مواجه شده است. ممکن است در رشته یا منطقه معین عرضه کار متعادل با تقاضا باشد ولی تحرك جغرافیائی یا حرفه‌ای کار تنها شرط لازم برای برقراری متعادل نمیشد. چنانچه کمبود کارگر با بیکاری در اتحادیه‌های اروپائی دیده شده است.

بعلاوه امروز دیگر تأمین کار تنها برای کارگر کافی نیست بلکه باید از کارگر بمعنای واقعی و مطابق وضع حرفه‌ای آن و در شرایطی بسیار مناسب از لحاظ

مسکن و محیط خانوادگی استفاده بعمل آید و بهمین جهت امروز مسئله اشتغال کامل جای خود را با اشتغال بهتر یعنی کیفیت کار داده است که لازمه آن بهبود وضع اجتماعی کارگران میباشد.

توسعه سریع اقتصادی اتحادیه‌های اروپائی در عرض چند سال اخیر موجب گردیده است که کشورهای عضو کمبود کارگر را از کشورهای اطراف مدیترانه تأمین نمایند بطوریکه فرضیه انتقال کارگر از رشته کشاورزی به صنعت و از صنعت بحرف آزاد از سطح ملی به سطح بین‌المللی سرایت مینماید زیرا مهاجرت کشاورزان کشورهای عضو اتحادیه‌های اروپائی دیگر تأمین کمبود کارگر رشته صنایع را که در حال توسعه میباشند نمی‌نماید و ناچار این قبیل کشورها باید کمبود کارگر را از کشورهای اطراف مدیترانه تأمین نمایند و از این راه اتحادیه قسمتی از هزینه انسانی کارگران لازم از قبیل تعلیم و تربیت و نگهداری فامیل آنها را تقبل مینماید مسئله مهاجرت کارگران کشورهای ثالث با اتحادیه‌های اروپائی تا بحال از راه انعقاد قراردادهای دو جانبه بین کشورهای عضو کشورهای ثالث انجام میگرفت ولی در حال حاضر با آزادی نقل و انتقال کارگران، اتحادیه‌های اروپائی سیاست واحدی را درباره مهاجرت کارگران کشورهای ثالث اتخاذ نموده است که هم‌آهنگی مقررات مربوط بکارگران داخلی و مهاجر را در دو قسمت ذیلا بیان میکنم.

الف - هم‌آهنگی مقررات مربوط بکارگردان داخلی

آزادی نقل و انتقال کارگران بموجب مواد ۴۸ تا ۵۱ قرارداد رم پیش‌بینی شده و مراعات دو اصل را لازم‌الرعایه میداند.

تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۹ باید آزادی نقل و انتقال کارگران بکلی تأمین میشد کلیه تبعیضات بین کارگران ملی کشورهای عضو از قبیل شرایط کار - مزد و غیره باید هم‌آهنگت میگردد. فقط در بعضی از موارد که آزادی نقل و انتقال کارگران با مسائل امنیت و صحت عمومی مواجه میشود استثنائاتی در قرارداد رم پیش‌بینی گردیده است آزادی نقل و انتقال کارگر هم مانند آزادی نقل و انتقال کالا بتدریج و طی سه مرحله که در قرارداد رم پیش‌بینی شده بود ولی یکسال و نیم زودتر عملی شد.

باین ترتیب که تا سال ۱۹۶۳ اولویت بکارگران ملی داده شده است. مقررات شماره ۱۵ که بموجب مواد ۴۸ و ۴۹ قرارداد رم در ۱۶ اوت ۱۹۶۱ بتصویب شورای وزیران اتحادیه‌های اروپائی رسید در اوائل سپتامبر ۱۹۶۱ بمورد اجرا گذاشته شد و تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۶۴ به قدرت خود باقی ماند. بموجب این مقررات اولویت بکارگران ملی برای استخدام در داخل کشورهای عضو داده شد مگر در صورتیکه در ظرف سه هفته کارگر مورد احتیاج از میان کارگران ملی پیدا نشود.

در بعضی از موارد که انتخاب کارگران جنبه اعتماد عمومی یا وابستگی فامیلی داشت در اینصورت کشور مزبور اجازه داشت که اصل اولویت کار برای کارگران

ملی را مجدداً برقرار سازد اجرای مقررات دیگری که تحت شماره ۳۸ برای هم‌آهنگی قوانین کار تدوین شده بود مشکلات عمده‌ای را در بین کشورهای عضو ایجاد نکرد. کشور آلمان - ایتالیا - لوکزامبورگ بدون قید و شرط اصل اولویت بازار ملی کار را حذف نمودند و فرانسه و بلژیک و هلند نیز با شرایطی آنها بمرور اجرا گذاشتند.

بطور کلی در آلمان بعلمت تسریع توسعه اقتصادی بیکاری وجود نداشت. در ایتالیا که بیکاری وجود داشت مهاجرت کارگران سایر کشورهای عضو مطرح نبود فقط در فرانسه که تورم بسیاری وجود داشت مسئله مهاجرت کارگران کشورهای اطراف مدیترانه مخصوصاً الجزایر مطرح نبود و باین طریق در سطح عمومی آمار نشان می‌دهد که نقل و انتقال کارگران از کشوری بکشور دیگر زیاد نبوده و تعداد کارگران اتحادیه که برای کار کردن در کشورهای عضو تقاضای اجازه کار می‌کردند از ۲۵۰۰۰ نفر که در سال ۱۹۶۵ کلیه کارگران اتحادیه ۵۴۵ میلیون نفر بودند یعنی ۵/۰٪ آن تجاوز نمی‌کرد.

بطوریکه بیان کردیم آزادی نقل و انتقال کارگران یکسال و نیم قبل از موعد مقرر در ۳۱ دسامبر ۱۹۶۹ بوسیله مقررات رم در ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۸ عملی گردید تساوی حقوق کارگر برای کلیه کارگران اتحادیه‌های اروپائی برقرار شد و بموجب تصمیمات شورای وزیران مقررات زیر بمرور اجرا درآمد.

- اصل اولویت کار برای کارگران ملی کشور لفو گردید و تساوی حقوق کارگران هر یک از کشورهای عضو اتحادیه‌های اروپائی در سایر کشورهای عضو برقرار گردید.

- اخذ اجازه کار برای کارگران سایر کشورهای عضو حذف شد و باین ترتیب کارگران هر یک از کشورهای عضو می‌توانستند بآزادی بدون اشکالات در یکی از کشورهای عضو مشغول کار شوند و فقط میبایستی اجازه اقامت در آن کشورها که برای مدت پنجسال صادر و سپس خود بخود تمدید میشد اخذ نمایند ولی این امکان وجود داشت که کشور ذینفع هنگام تمدید اجازه اقامت بدلالی آنها پیش از دوازده ماه تمدید ننماید. نظرباینکه اصل آزادی نقل و انتقال کارگران از کشوری بکشور دیگر تأمین گردد قاعده کارگران هر یک از کشورهای عضو برای بدست آوردن کار مورد نظر، می‌توانستند بآزادی از کشوری بکشور دیگر مسافرت نمایند بعلاوه مقامات یکی از کشورهای عضو اتحادیه نمیتوانست بطوریکه در مقررات گذشته برای حفظ سطح زندگی یا کار پیش‌بینی شده بود چنانچه مهاجرت کارگران سایر کشورهای عضو مخاطراتی را بوجود آورد مستقیماً تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند بلکه اتخاذ چنین تصمیماتی باید با اجازه مقامات اتحادیه‌های اروپائی صورت پذیرد. با وجود اینکه از ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۸ آزادی نقل و انتقال کارگران کشورهای عضو اتحادیه‌های اروپائی از کشوری بکشور دیگر تأمین گردید و اولویت سپردن کار بکارگران کشورهای عضو مقدم بر کارگران کشورهای ثالث شناخته شد معیناً در

نتیجه توسعه سریع اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه‌های اروپائی ناچار بودند که برای تأمین قسمتی از کارگران مورد لزوم خود بکارگران کشورهای ثالث مراجعه نمایند.

ب - هم‌آهنگی مقررات مربوط بکارگران خارجی

بطوریکه بیان کردیم جمهوری فدرال آلمان کمبود کارگران ضروری را از کشورهای اطراف مدیترانه تأمین مینمود. وجود این کارگران بمثابة دريچه امنیت و نظیر مهاجرت کشاورزان بسوی قطب‌های صنعتی برای تمپیه کارگر لازم به توسعه صنایع بود.

فرانسه، آلمان و انگلستان بزرگترین جذب‌کننده کارگران خارجی میباشند خوشبختانه قبل از ایجاد اتحادیه‌های اروپائی مقررات اجتماعی اروپائی در قلمرو حمل و نقل برای حل و فصل مشکلات ناشیه از کار در بین کشورهای اروپائی وجود داشت.

در قرارداد پاریس بموجب ماده ۶۹ بند ۴ عدم تبعیض بین شرایط کار کارگران ملی و سایر کشورها پیش‌بینی شده است. در اجرای این اصل موافقتنامه‌ای در ۹ دسامبر ۱۹۵۷ در رم درباره کارگران مهاجر، یا مشابه آن بامضاء رسید که تقریباً با موافقتنامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار که در سال ۱۹۵۲ تصویب شده بود موافقت داشت.

این قرارداد شامل تعدادی از جمعیت فعاله و ۵۰٪ از کارگرانی میشود که بموجب آن در مقابل سه رشته خطر بیمه شده‌اند و حداقل آن نیز تعیین گردیده است. حداقل بیمه‌های اجتماعی شامل هشت رشته در آلمان - هشت رشته در بلژیک - هفت رشته در فرانسه شش رشته در ایتالیا - نه رشته در لوکزامبورگ و شش رشته در هلند میگردد.

بعلت وجود سابقه کار کارگران خارجی بود که مقررات شماره ۱۰۲ بسهولت به مقررات شماره ۳ اتحادیه‌های اروپائی که در ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۸ به تصویب رسید مبدل گردید و بموجب مقررات شماره ۴ در اول ژانویه ۱۹۵۹ بمورد اجرای گذاشته شد و سپس تکمیل گردید.

بموجب این مقررات مسئله تنازع قوانین اجتماعی درباره شخصیت یا کشوری بودن رژیم کارگران مهاجر حل و فصل گردید و قوانین محل کار درباره کارگران حاکم شد.

همچنین مقررات شماره ۶۳-۳۶ مربوط بکارگران سرحدی و مقررات ۶۷-۶۳ مربوط به کارگران فصلی با مقررات مربوط بکارگران مهاجر هم‌آهنگ و یکنواخت شد باین معنی که اصل محل کار شامل کلیه هزینه‌های مربوط به بیماری - زایمان - معلولی گردید بدون اینکه کمک‌های طبی و اجتماعی یا حفاظت معلولین جنگی در رژیم خاص مستخدمین را شامل گردد.